

عنوان مقاله:

بررسی لحن روایت در داراب نامه بیغمی؛ با رویکرد به نظریه ژرار ژنت (نمونه موردی: داستان فیروزشاه در میان پری زادان و جنیان)

محل انتشار:

پژوهشنامه ادبیات داستانی، دوره 12، شماره 2 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسندگان:

سوسن بیگلری دلویی - دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

رضا اشرف زاده - استاد زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

جواد مهربان فزل حصار - استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

خلاصه مقاله:

ژرار ژنت در عرصه روایت شناسی نوآوری هایی داشته که تفکیک دو مقوله وجه و لحن از آن جمله بوده است. تاکید بر وجه و لحن یک اثر داستانی، جنبه های جدیدی از آن را هویدا می کند و شاخصه ای برای سنجش کیفیت آثار ادبی به شمار می رود. در گستره ادب فارسی، آثار روایی منثور بسیاری خلق شده اند که داراب نامه بیغمی یکی از آنها است. نویسنده در اثر خود، با کاربست تکنیک های متنوع روایی، موفق به خلق اثری برجسته شده است. این ویژگی در داستان فیروزشاه در میان پری زادان و جنیان نمود ویژه تری دارد. بررسی داستان مذکور با استناد به منابع کتابخانه ای و روش توصیفی- تحلیلی و کاربست آراء ژنت نشان می دهد که بیغمی در عرصه روایت تنها به ظرفیت های دانای کل بسنده نکرده، با دخالت دادن شخصیت ها در فرآیند روایتگری، بر ابعاد عینی و ملموس اثر خود افزوده است. همچنین، برقراری دیالوگ های متعدد به جای توجه به مونولوگ، با استفاده از کانون روایت دوم شخص میسر شده است که آثار مطلوبی در فرآیند ارتباط گیری مخاطب با متن تولیدی داشته است. استفاده از شیوه ذهنی در سطحی محدود نشان از آن دارد که شخصیت های حاضر در داستان، بیش از آنکه درون گرا و منفعل باشند، برون گرا و پویا هستند. در مجموع، لحن روایت در داستان مذکور، ضمن اینکه انسان انگاری شخصیت های داستان را میسر کرده، بستری مناسب برای خوانش های گوناگون از روایت ها فراهم کرده است.

کلمات کلیدی:

بیغمی، داراب نامه، ژنت، روایت، لحن

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1684367>

